



إِلَهِي لَا تُؤَدِّبُنِي بِعُقُوبَتِكَ وَ لَا تَمْكُرْ بِي فِي

حِيلَتِكَ مِنْ أَيْنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ

خدایا مرا بہ عقاب خود ادب مفرماو بہ

مجازات عملم بہ مکر و حیلہ ات بہ عقوبت

ناگهانیت غافلگیر مکن و مبتلا مگردان ای

خدا کجا خیری توانم یافت

وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَ مِنْ أَيْنَ لِي النِّجَاةُ

وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ

در صورتی که خیر جز پیش تو نیست و از

کجا راه نجاتی خواهم جست و حال آنکه

جز به لطف تو نجات میسر نیست

لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَغْنَىٰ عَنْ عَوْنِكَ وَ رَحْمَتِكَ

وَ لَا الَّذِي أَسَاءَ وَ اجْتَرَأَ عَلَيْكَ

ای خدا نه آنکس که نیکوکار است از یاری

تو و لطف و رحمتت مستغنی است و نه

آنکه بدکار است و بر حکم تو بی باکی کرده

وَ لَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا

رَبِّ

و به راه رضا و خوشنودیت نرفته از قدرتت

بیرون است ای رب من ای رب من ای رب

من

بِكَ عَرَفْتُكَ وَ أَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَ دَعَوْتَنِي

إِلَيْكَ وَ لَوْ لَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ

من تو را به تو شناختم و تو مرا بر وجود  
خود دلالت فرمودی و بسوی خود خواندی  
و اگر تو نبودی من نمی دانستم تو چیستی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيجِيبُنِي وَ إِن كُنْتُ

بَطِيئاً حِينَ يَدْعُونِي

ستایش خدای را که من او را می خوانم و  
او اجابت می کند و هر چند وقتی که او مرا  
می خواند کندی و کاهلی می کنم

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَ إِن كُنْتُ  
بَخِيلاً حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي

و ستایش خدای را که چون از او چیزی  
درخواست کنم به من عطا می کند و هر

چند هنگامی که او از من قرض می خواهد

من بخل می ورزم

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَّتِي

وَ أَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ

فَيَقْضِي لِي حَاجَّتِي

و ستایش خدای را که برای هر حاجتی

هرگاه او را خواستم ندا خواهم کرد و هر

وقتی برای راز و نیاز با او خلوت توانم کرد و

بدون هیچ واسطه و شفیع حاجتم را روا

می سازد

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَ لَوْ دَعَوْتُ

غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي



سپاس خدای را که تنها او را به دعا می

خوانم نه غیر او را و اگر از غیر او حاجت

می خواستم دعایم مستجاب نمی کرد

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَ لَوْ رَجَوْتُ

غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي

و سپاس خدای را که به او چشم امید دارم  
نه به غیر او و اگر به غیرش امید می داشتتم  
مرا ناامید می گردانید

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَ لَمْ

يَكِلَنِي إِلَى النَّاسِ فَيُهِنُونِي

ستایش خدای را که کار مرا به حضرتش

وا گذاشت و گرامیم داشت و به غیرش

وانگذاشت تا خوارم گرداند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي

ستایش خدای را که با من اظهار کمال

دوستی فرمود با آنکه از من بی نیاز بود

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَانِي لَا

ذَنْبَ لِي فَ رَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَ أَحَقُّ

بِحَمْدِي

و سپاس خدای را که از خطا و گناهانم حلم

و بردباری کرد چنانکه گویی گناهی از من

سر نزده است پس خدای من پیشم

محبوب ترین موجود است و به حمد و

ستایش من او را سزاوارتر از همه عالم است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِدُّ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَ

مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ (لَدَيْكَ) مُتْرَعَةً

ای خدا من راه حوایج خلق را بسوی تو باز

می بینم و چشم های امید بندگان را به

درگاهت پر آب می یابم

وَ الْإِسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَلَكَ مُبَاحَةً وَ

أَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً

و یاری جستن به فضل و کرمت بر هر کس

به تو آرزومند است مباح و آسان است و

درهای دعای فریاد خواهان بسوی تو باز

است

وَ أَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي (لِلرَّاجِينَ) بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ

وَ لِلْمَلْهُوفِينَ (لِلْمَلْهُوفِ) بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ

و محققا می دانم که تو آماده ای برای

حاجت امیدوارانی و مراقب حال پریشان

خاطران

وَ أَنْ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَ الرِّضَا بِقَضَائِكَ

عَوْضاً مِنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَ مَنْدُوحَةً عَمَّا فِي

أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ

و می دانم که در نالیدن به درگاه جود و

احسانت و در رضای به قضا و قدرت بهترین

عوضی است از بخل مردم بخیل و بی‌نیازی

از اندوخته در دست دنیا طلبان است



وَ أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَ أَنَّكَ لَا  
تَحْتَجِبُ عَنِ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ

(الْأَمَالُ) دُونَكَ

و هر که بسوی تو سفر کند راهش بسیار  
نزدیک و تو از نظر بصیرت خلق پنهان  
نیستی جز آنکه آمال و آرزوهایی که به غیر

تو دارند حجاب آنها از شهود جمالت گردیده

است

وَ قَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ

بِحَاجَتِي

و من جویای توام و در حوایجم رو به تو

آورده ام

وَ جَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي وَ بِدُعَائِكَ تَوَسُّلِي

مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي

و به درگاه تو استغاثه کرده و پناه می جویم

و در دعای متوسل به لطف توام بدون آنکه

لایق آن باشم که دعای مرا مستجاب کنی

وَ لَا اسْتِجَابَ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لِيَثِقْتِي بِكَرَمِكَ

وَ سُكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ وَ لَجْئِي إِلَى

الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ

یا مستوجب عفو و بخششت گردانی بلکه

توجهم به تو به صرف کرم و احسان توست

و اطمینان خاطر من به صدق وعده (لطف) تو

و پناه من بر ایمان به یکتایی توست

وَ يَقِينِي (وَ ثِقْتِي) بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ

لِي غَيْرُكَ وَ لَا إِلَهَ (لِي) إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا

شَرِيكَ لَكَ

و یقینم به معرفت حضرتت که می دانم مرا

پروردگاری غیر تو نیست و جز تو خدایی

نخواهد بود تو یکتا و بی شریکی

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَ قَوْلُكَ حَقٌّ وَ وَعْدُكَ صِدْقٌ

(الصِّدْقُ) وَ اسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

بِكُمْ رَحِيمًا

ای خدا تو خود فرمودی و سخن تو حق و

وعده تو حقیقت است فرمودی هر چه می

خواهید از خدا فضل و کرم بخواهید که خدا

به شما بندگان همیشه مهربان است

وَ لَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ

بِالسُّؤَالِ وَ تَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ

و ای مولای من این از صفات نیست که

بندگان را امر به سؤال کنی و چون سؤال

کنند عطای خود را از آنها دریغ داری

وَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَ

الْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ (بِحُسْنِ نِعْمَتِكَ)

و حال آنکه تو را بر اهل مملکت عطاهاى

بى شمار است و بواسطه رأفت و محبتت

بخلق نعمت بآنهاى در پى خواهد بود

إِلَهِ رَبِّيَنِي فِي نِعْمِكَ وَ إِحْسَانِكَ صَغِيرًا وَ

نَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَيَا مَنْ رَبَّنِي فِي الدُّنْيَا

بِإِحْسَانِهِ



ای خدا تویی که در انواع نعم و احسان  
هنگامی که کودکی بودم مرا پروراندی و در

بزرگی هم سربلندی و نام نیکو دادی

وَ تَفَضُّلِهِ (بِفَضْلِهِ) وَ نِعَمِهِ وَ أَشَارَ لِي فِي

الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَ كَرَمِهِ

پس ای خدایی که مرا در دنیا به فضل و  
احسان و نعم بی پایان پرورش دادی و در  
آخرت اشارت به عفو و کرمت فرمودی

مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي (دَلَّتْنِي) عَلَيْكَ وَ

حُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ

معرفتم به تو ای مولای من دلیل و رهبر

من بسوی توست و محبتم نزد حضرتت

واسطه و شفیع من است

وَ أَنَا وَاثِقٌ مِّنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَ سَاكِنٌ مِّنْ

شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ

و من از دلیل خود چون تو راهنمای منی

مطمئنم و از شفیعم چون تو می پذیری

دلم آرام است

أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ

أُنَاجِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ

ای سید من تو را می خوانم به زبانی که از

فرط گناه لال گردیده ای پروردگار با تو راز و

نیاز می‌کنم با دلی که از کثرت جرم به وادی

هلاکت در افتاده

أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِباً رَاغِباً رَاجِئاً خَائِفاً إِذَا

رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرَعْتُ

ای خدا تو را می‌خوانم با دلی که هراسان و

ترسان است از قهر تو و امیدوار به کرم

توست چون به گناهان خود ای مولای من

می نگرم زار می نالم

وَ إِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَإِنَّ عَفْوَتَ

(غَفَرْتَ) فَخَيْرٌ رَاحِمٍ وَ إِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ

و چون به کرم بی پایان تو نظر می کنم

امیدوار می گردم پس اگر مرا ببخشی

رواست که تو بهترین مهربانی و اگر عذاب

کنی ستم نکرده ای

حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ مَعَ

إِتْيَانِي مَا تَكَرَّهُ جُودُكَ وَ كَرَمُكَ

حجت من بر جرأت درخواست حاجت از تو

با آنکه کردارم همه ناپسند بوده همانا

بخاطر کرم و بخشش توست و پناه آوردنم

وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قَلَّةِ حَيَائِي رَأْفَتُكَ وَ

رَحْمَتُكَ

در حال سختی به درگاه تو با بی حیایی و

بی باکیم به موجب رأفت و مهربانی توست

وَ قَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَ ذَيْنِ

مُنِيَّتِي فَحَقِّقْ رَجَائِي وَ اسْمَعْ دُعَائِي



و البته امیدم آن است که با اینگونه قبايح و

زشتی‌هايم باز از آرزوهایی که به تو دارم

محرومم نگردانی پس امیدم برآور و دعایم

اجابت فرما

يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ

ای بهترین کسی که اهل دعا به درگاهش رو

آورند و نیکوتر شخصی که امیدواران بر او

عرض نیاز کنند

عَظْمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَ سَاءَ عَمَلِي فَأَعْطِنِي

مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي

آرزویم ای سید من بزرگ و کردارم زشت

است پس تو به عفو و بخشش خود به قدر

آرزویم عطا کن

و لَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ

عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ وَ حِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ

مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ

و به اعمال زشتم مؤاخذه مفرما زیرا کرم و

بزرگواریت برتر از آن است که گناهکاران را

مجازات کنی و حلمت بیش از آنکه

مقصرین را به کیفر رسانی

وَ أَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ

إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ

أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا

و من ای سید من به فضل و کرمت پناه  
آورده و از قهر تو بسوی لطفت می گریزم  
و عده عفو و بخششت از کسی که به تو  
حسن ظن دارد مسلم و قطعی است

وَ مَا أَنَا يَا رَبِّ وَ مَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَ

تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

و من ذره ناچیز ای خدا کیستم مرا به فضل

و کرمت ببخش و به عفو و رحمتت بر من

منت گذار

أَيُّ رَبِّ جَلَّلَنِي بِسُتْرِكَ وَ اعْفُ عَن تَوْبِيخِي

بِكْرَمِ وَجْهِكَ

ای پروردگار من کردار زشتم در پرده دار و از

گناهانم به بزرگواری ذاتت درگذر

فَلَوْ اِطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرَكَ مَا فَعَلْتُهُ وَ

لَوْ خِفتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَاجْتَنَبْتُهُ

که اگر بر گناهم کسی غیر از تو آگاه می شد

البته آن گنه نمی کردم و اگر از تعجیل می

ترسیدم هم از خطا اجتناب می نمودم

لَا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ (إِلَيَّ) وَ أَخَفُّ

الْمُطَّلِعِينَ (عَلَيَّ)

نه از این رو که تو از دیگران در نظرم بی

قدر و اهمیت تری

بَلْ لَأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ وَ أَحْكَمُ

الْحَاكِمِينَ (وَ أَهْلَمُ الْأَهْلَمِينَ) وَ أَكْرَمُ

الْأَكْرَمِينَ



بلکه بدین سبب که تو بهترین ستاران و

پرده‌پوشان و نیکوترین حکم فرمایان و

بزرگوارترین بزرگواران عالمی

سَتَّارُ الْعُيُوبِ غَفَّارُ الذُّنُوبِ عَلَّامُ الْغُيُوبِ تَسْتُرُ

الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ وَ تُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ

تویی که بر عیب‌های خلق پرده پوشی و بر

گناهانشان ببخشایی و بر اسرار غیب آگاهی

گناه بندگان را به کرمی می پوشانی و  
کیفر آنها را از حلم و بردباری به تأخیر می

افکنی

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ وَ عَلَىٰ

عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ

پس ستایش تو را می کنم بر مقام حلمت  
بعد از علم ازلیت و بر صفت عفت پس از

قدرت کاملت

وَ يَحْمِلُنِي وَ يُجَرِّئُنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمَكَ

عَنِّي وَ يَدْعُونِي إِلَى قَلَّةِ الْحَيَاءِ سَتْرَكَ عَلَيَّ

ای خدا حلم بی پایانت مرا بر معصیت تو

و ادا می کند و جرأت می دهد و پرده

پوشی و ستاریت به بی‌شرم و حیایی می

خواند

وَ يُسْرِعُنِي إِلَى التَّوْتُبِ عَلَى مَحَارِمِكَ

مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَ عَظِيمِ عَفْوِكَ

و معرفتم به رحمت بی‌انتهایت و عفو بی

حسابت مرا جسور کرده و به سرعت بر

آنچه حرام کردی می‌گمارد

يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا غَافِرَ

الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ

الإِحْسَانِ

ای خدای بردبار بزرگوار ای زنده ابدی ای

بخشنده گناه و ای پذیرنده توبه ای بزرگ

نعمت و منت ای احسان کننده همیشگی

أَيْنَ سَتْرِكَ الْجَمِيلِ أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلِ أَيْنَ

فَرَجِكَ الْقَرِيبِ أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعِ

كجاست پرده پوشی عظیم تو كجاست عفو

بزرگوارانه تو كجاست گشایش نزدیک تو

كجاست فریادرسی سریع تو

أَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةِ

أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةِ أَيْنَ صَنَائِعِكَ السَّنِيئَةِ

كجاست رحمت واسعة تو كجاست عطاهاى

نيكوى تو كجاست موهبت هاى گواراو

مرحمت هاى پر بهاي تو

أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمُ أَيْنَ مِنْكَ الْجَسِيمُ أَيْنَ

إِحْسَانِكَ الْقَدِيمُ أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ

كجاست فضل و كرم بى حد تو كجاست

نعمت بزرگ و احسان هميشگى تو

كجاست كرم تو اى خداى كريم

بِهِ (وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ) فَاسْتَنْقِذْنِي وَ

بِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا

مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ



به حق آن کرم که مرا نجات ده و به حق  
رحمتت که از ورطه هلاکتم خلاص کن ای  
خدای با احسان ای نیکوکار ای نعمت  
بخش ای با فضل و کرم

لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَيَّ  
أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ  
أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

من بر نجات از قهر و عقابت اعتماد بر  
اعمال خود نداریم بلکه تمام نظر ما به فضل  
و احسان توست زیرا که تو شایسته ای که  
خلق از تو بترسند و هم به مغفرتت امیدوار  
باشند

تُبَدِيُّ بِالْإِحْسَانِ نِعَمًا وَ تَغْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا

هم اول با خلق احسان می کنی هم به

کرمت از گناهانشان می گذری

فَمَا نَذِرِي مَا نَشْكُرُ أَ جَمِيلَ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحَ

مَا تَنْشُرُ

پس من نمی دانم شکر کدام را بجای آورم

آیا شکر نیکی هایی که از من معروف کردی

یا زشتی هایی که پرده پوشی نمودی

أُمُّ عَظِيمٍ مَا أَبْلَيْتَ وَ أَوْلَيْتَ أُمَّ كَثِيرٍ مَا مِنْهُ

نَجَّيْتَ وَ عَافَيْتَ

یا بلاها و امتحانات سختی که بر ما آسان  
ساختی و ما را بر آن فایق و مؤید داشتی یا  
بلاهای بسیار که از آن نجات داده و عافیت

بخشیدی

يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَ يَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ

لَاذَ بِكَ وَ انْقَطَعَ إِلَيْكَ

ای دوستدار کسی که با تو محبت ورزد ای

شادی قلب کسی که رو به درگاه تو آرد و از

همه بگسلد و با تو پیوندد

أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَ نَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزُ يَا

رَبِّ عَنِ قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ

تو نیکوکاری و ما زشت کرداریم پس تو ای

پروردگار به نیکویی خود از قبایح ما درگذر

وَ أَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ أَوْ أَيُّ

زَمَانٍ أَطْوَلُ مِنْ أَنْتِكَ

کدامین جهالت و بد کاری است که لطف و

کرم تو آن را فرا نمی گیرد یا چه زمانی

است که پیش از زمان حلم توست

وَ مَا قَدْرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَ كَيْفَ

نَسْتَكْتِرُ أَعْمَالًا نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ (كَرَامَتِكَ)

و اعمال نيك ما در مقابل نعمت های تو

چه ارزش دارد و چگونه اعمال زشتمان را با

وجود لطف و کرم بی انتهایت بسیار بدانیم

بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ

رَحْمَتِكَ

آری چگونه مجال بر گناهکاران با وجود

رحمت واسعه بی پایانت تنگ خواهد شد

يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ

ای صاحب آمرزش بی حساب ای آنکه

دست تو به رحمت مبسوط است

فَوْ عِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي (انْتَهَرْتَنِي) مَا

بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ



باری قسم به مقام عزت و بزرگیت ای سید  
من که اگر مرا از درگاهت برانی هرگز از این  
در به جایی نمی روم و از تملق و التماس  
به حضرتت دست برنمی دارم

لِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ

زیرا تو را به جود و کرم کامل شناخته ام و  
تو هر چه بخواهی به قدرت کامله می کنی

وَ أَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا

تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَ تَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ

كَيْفَ تَشَاءُ

هر که را بخواهی به هر قدر و هر گونه

عذاب کنی و هر که را بخواهی هر قدر و هر

قسم ترحم فرمایی خواهی کرد

لَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَ لَا تُتَنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَ لَا

تُشَارَكُ فِي أَمْرِكَ وَ لَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ

و کسی را نرسد که بر کار تو چون و چرا کند

و در ملك هستی با تو گفتگو آغازد و در هر

امر و فرمان با ذات یکتایت مشارکت کند و

در حکم مبرمت مخالفت برانگیزد

وَ لَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ

الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

و احدی را نرسد که بر نظم و تدبیرت

خورده گیری و اعتراض کند خلق و آفرینش

خاص تو و حکم و فرمان بر خلق مخصوص

توست بزرگوار خدایی که پروردگار عالم است

يَا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مَنْ لَأَذَ بِكَ وَ اسْتَجَارَ

بِكْرَمِكَ وَ أَلْفَ إِحْسَانِكَ وَ نِعَمَكَ

ای خدا این است مقام آنکس که به درگاه

تو روی آورده و به لطف و کرمت پناه

جسته و با نعم و احسانت الفت گرفته

وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَ لَا

يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَ لَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ

و تو آن ذات با جود و بخششی که جامه

عفوت تنگ نیست و فضل و رحمت

نقصان پذیر نخواهد بود

وَ قَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَ الْفَضْلِ

الْعَظِيمِ وَ الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ

و ما هم تمام وثوق و اطمینان خاطرمان به

عفو همیشگی و فضل و کرم بی حد و

رحمت نامنتهای توست

أَفْتَرَاكَ (تُرَاكَ) يَا رَبِّ تُخَلِّفُ ظُنُونَنَا أَوْ

تُخَيِّبُ آمَالَنَا كَلَّا يَا كَرِيمُ

ای پروردگار آیا چنین پنداریم که تو بر

خلاف حسن ظنی که به حضرتت داریم با

ما رفتار می کنی یا ما را از امید و آرزوهای

که به تو داریم محروم می سازی هرگز به تو

ای خدای کریم

فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا (ظُنُّنَا) بِكَ وَ لَا هَذَا فِیكَ

طَمَعَنَا (طَمَعُنَا)

چنین گمان نمی بریم و اینگونه از کرمت

انتظار نداریم



يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمْلاً طَوِيلاً كَثِيراً إِنَّ لَنَا

فِيكَ رَجَاءً عَظِيماً

ای خدا ما را به حضرتت آمال و آرزوهای

بسیار و امید بزرگ است

عَصِيْنَاكَ وَ نَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا وَ

دَعْوَانَاكَ وَ نَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا

فَحَقِّقْ رَجَاءَنَا

تو را معصیت کردیم و امید پرده پوشی  
داریم تو را در دعا خواندیم و امید اجابت  
داریم پس ای مولای ما ما را به امید و

آرزویمان برسان

مَوْلَانَا فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا وَ لَكِنْ

عِلْمُكَ فِيْنَا وَ عَلِمْنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ

که ما می دانیم که به اعمال زشت خود  
چیزی جز محرومی از رحمت مستحق  
نیستیم لیکن اینکه تو به احوال ما دانایی و  
به فقر و بیچارگی ما آگاهی و می دانیم که  
از درگاه فیضت محروم باز نمی گردیم

(حَتَّنَا عَلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ) وَ إِنَّا كُنَّا غَيْرَ

مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ

ما را راغب و امیدوار بدرگاه کرمات آورد و با

آنکه ما مستوجب رحمت نیستیم

فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَ عَلَى الْمُذْنِبِينَ

بِفَضْلِ سَعَتِكَ فَاْمُنْ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ

تو شایسته آنی که بر ما و گناهکاران بفضل

و رحمت وسیعت جود و بخشش کنی پس

تو بآنچه لایق بزرگواری توست به ما احسان

فرما

وَ جُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ إِلَىٰ نَيْلِكَ يَا غَفَّارٌ

بُنُورِكَ اهْتَدَيْنَا

و بر ما کرم کن که بسیار محتاج عطای

توایم ای خدای بخشنده ما را به نور

معرفتت هدایت فرمودی

وَ بِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنَا وَ بِنِعْمَتِكَ (فِي نِعْمِكَ)

أَصْبَحْنَا وَ أَمْسَيْنَا

و به فضل و رحمتت از غیر بی نیاز

گردانیدی و به نعمتت شب و روز پرورش

یافتیم

ذُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَ

نَتُوبُ إِلَيْكَ

گناهان ما پیش تو هویداست از تو ای خدا

از آن گناهان طلب عفو و آمرزش می کنیم

و بدرگاہت بتوبه باز می گردیم

تَتَّحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنَّعْمِ وَ نُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ

خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَ شَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ

ای خدا تو در حق ما به نعمت های

گوناگون محبت و مهربانی می کنی و ما در

مقابل به نافرمانی و گناه می پردازیم خیر و

برکات تو پیوسته بر ما نازل می شود و شر

و بد کاری ما بسوی تو بالا می رود

و لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ (عَنَّا)

بِعَمَلٍ قَبِيحٍ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا

بِنِعْمِكَ



و تو همیشه از ازل تا ابد پادشاه با کرم و  
احسانی که اعمال زشت همیشگی ما مانع  
از آن نیست که ما را غرق نعمت های ظاهر  
و باطن

وَ تَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِآلَائِكَ فَسُبْحَانَكَ مَا أَخْلَمَكَ  
وَ أَعْظَمَكَ وَ أَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَ مُعِيداً

بفضل و احسان خود گردانی پس منزهی تو

و چقدر حلم و بزرگی لطف و کرمت در آغاز

و انجام آفرینش بی پایان است

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ كَرَّمَ

صَنَائِعُكَ وَ فَعَالَكَ

ای خدا نام های پاکت منزّه و ثنا و

ستایشت بزرگ و آثار و افعالت همه نیکو

است

أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلاً وَ أَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ

تُقَايِسَنِي بِفِعْلِي وَ خَطِيئَتِي

ای خدای من فضل وسیع بی پایان و حلم  
عظیم بی انتهایت برتر از آن است که مرا با  
فعل من و گناه من مقایسه نمایی

فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي

از من درگذر از من درگذر از من درگذر ای  
سید من ای سید من ای سید من

اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ وَاعِدْنَا مِنْ سَخَطِكَ وَ

أَجْرْنَا مِنْ عَذَابِكَ وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ وَ

أَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا ما را به یاد خود مشغول ساز و از

قهر و غضبت امان بخش و از عذابت در

جوار رحمت پناه ده و از عطاهای بی

حسابت روزی ما گردان و به فضل و کرم با

ما نیکی و احسان فرما

وَ ارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ

و حج بیت الحرامت را نصیب ما گردان و

پیغمبرت

صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ

عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ

که درود و رحمت و مغفرت و خوشنودیت

بر او و بر اهل بیتش باد زیارت قبرش را

روزی ما گردان که تو البته به خلق نزدیکی و

از لطف دعایشان اجابت می کنی

وَ ارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَ تَوْفَنَّا عَلَى مِلَّتِكَ وَ

سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

ای خدا طاعتت را عوض هر کار نصیب ما

گردان و ما را بر آیین خود و بر سنت

پیغمبرت که درود بر او و بر آتش باد بمیران

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ ارْحَمْهُمَا كَمَا

رَبَّيَانِي صَغِيرًا اجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَ

بِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا



خدایا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و بر آنها  
رحمت فرست که آنان در خردسالی مربی  
من بودند و پاداش احسان های آنها که به  
من کرده اند در حقشان احسان فرماو  
گناهانشان ببخش

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ

مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ وَ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ

بِالْخَيْرَاتِ (فِي الْخَيْرَاتِ)

خدایا بر تمام مرد و زن اهل ایمان از

زندگان و مردگان مغفرتت را شامل گردان و

میان ما و آنها به خیر و احسانت پیوند ده

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَ مَيِّتِنَا وَ شَاهِدِنَا وَ غَائِبِنَا  
ذَكَرْنَا وَ أَنْثَانَا (إِنَاثِنَا) صَغِيرِنَا وَ كَبِيرِنَا حُرَّنَا وَ  
مَمْلُوكِنَا

بار الها زنده و مرده ما مسلمانان و حاضر و

غایب و مرد و زن و صغیر و کبیر و آزاد و

بنده ما همه را ببخش و بیامرز

كَذَّبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَ

خَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا

آری آنان که از خدا برگشتند به دورترین

وادی ضلالت و گمراهی در افتادند و آشکار

به زیان سخت گرفتار شدند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اخْتِمْ

لِي بِخَيْرٍ

خدایا درود فرست بر محمد (ص) و آل

محمد (ع) و کارم را ختم به خیر گردان

وَ اكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ وَ اٰخِرَتِي وَ

لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي

و مهمات امور دنیا و آخرتم را کفایت فرما و

آنکه به حالم رحم نکند بر من مسلط

مگردان

وَ اجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً بَاقِيَةً وَ لَا تَسْلُبْنِي

صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

و بر من از جانب خود نگهبانی همیشه

مقرر بدار و نعمتهای شایسته ای که به من

عطا کردی از من باز مگیر

وَ اِرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا

و از فضل و کرمت به من روزی وسیع حلال

پاکیزه روزی فرما

اللَّهُمَّ اَحْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَ اَحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ

وَ اَكْلَانِي بِكِلَاءَتِكَ

ای خدا مرا در پناه مراقبت نگهداری کن و

در سایه محافظت و ظل حمایت از هر بلا

محفوظ دار

وَ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَ  
فِي كُلِّ عَامٍ وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ  
السَّلَامُ

و حج بیت الحرامت را در این سال و همه  
سال دیگر نصییم گردان و زیارت قبر پیغمبر  
(ص) و ائمه هدی علیهم السلام را روزی

کن



وَلَا تُخَلِّني يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ

الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ

و از آن مشاهده مشرفه و مواقف با کرامت

دور مگردان

اللَّهُمَّ تُبِّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أُعْصِيكَ

ای خدا حال توبه ای به من عطا کن که

دیگر هرگز معصیت نکنم

وَ اَلْهَمِّنِي الْخَيْرَ وَ الْعَمَلَ بِهِ وَ خَشِيَتَكَ بِاللَّيْلِ

وَ النَّهَارِ مَا اُبْقِيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و تا هستم ای پروردگار عالم کار خیر را

بقلم الهام کن و در عملش موفقم ساز و

شب و روز مرا ترس گردان

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَ تَعَبَّأْتُ

(تَعَبَّيْتُ) وَ قُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ

ای خدا من چندان که به عزم و جزم با خود

گفتم و خویش را مهیا و آماده طاعتت

ساختم و در پیشگاه تو به نماز ایستادم

وَ نَاجَيْتُكَ أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نِعَاسًا إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ وَ

سَلَبْتَنِي مُنَاجَاتَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ

آن هنگام مرا به خواب انداختی و حال راز و

نیاز از من گاه مناجات باز گرفتی

مَا لِي كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَّحْتُ سَرِيرَتِي وَ قَرُبَ

مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي

ای خدا چه شد که هر چه با خود عهد کرده

و گفتم که از این پس سریرتم نیکو خواهد

شد و به مجامع اهل توبه و مقام توابین

نزدیک می شوم

عَرَضْتُ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي وَ حَالَتْ بَيْنِي وَ

بَيْنَ خِدْمَتِكَ

بلیه و حادثه ای پیش آمد که به عهد ثابت

قدم نماندم و آن بلیه میان من و خدمت

حایل گردید

سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَ عَنْ

خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا

بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي

ای سید من شاید تو از درگاه لطفت مرا

رانده ای و از خدمت بندگیت دورم ساخته

ای یا شاید دیدی من حق بندگیت را خفیف

شمردم بدین جهت از درت مرا دور کردی

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي أَوْ

لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ (الْكَذَّابِينَ)

فَرَفَضْتَنِي

یا آنکه دیدی من از تو روی گردانم بدین

سبب بر من غضب فرمودی یا آنکه در مقام

دروغ گویانم یافتی لذا از نظر عنایتت دور

افکندی

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي

أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ

فَخَذَلْتَنِي

یا شاید دیدی که من شکر گزاری از نعمت

هایت نمی کنم مرا محروم ساختی یا شاید

مرا در مجالس اهل علم نیافتی به خواری و

خذلانم انداختی



أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ

أَيْسْتَنِي

یا شاید مرا در میان اهل غفلت یافتی بدین

جرم از رحمتت نومیدم کردی

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيْنِي

وَ بَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ

دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي

یا شاید دیدی در مجالس اهل باطل الفت

گرفته ام مرا میان آنها وا گذاشتی یا شاید

دوست نداشتی دعایم را بشنوی از درگاہت

دورم کردی

أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَ جَرِيرَتِي كَافِيَتْنِي أَوْ لَعَلَّكَ

بِقِلَّةِ حَيَائِي مِنْكَ جَازِيَتْنِي

یا شاید بجرم و گناه‌ها مکافات کردی یا

شاید به بی‌شرم و حیایی با حضرتت

مجازاتم نمودی

فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَمَا عَفَوْتَ عَنِ

الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ

مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ

به هر حال اگر ای خدای من عفو کنی  
شایسته است که پیش از من چه بسیار از  
گنه کاران را عفو کرده‌ای چرا که لطف و  
کرمت ای خدا برتر و بالاتر از آن است که  
بندگان مقصر را به کیفر رسانی

وَ أَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ

(مُتَنَجِّزٌ) مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ

بِكَ ظَنًّا

و من به فضل و رحمت پناه آورده و از تو

بسوی تو می‌گریزم که عفو و بخشش از

کسی که به تو حسن ظن دارد وعده قطعی

است

إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا وَ أَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ

تُقَايِسَنِي بِعَمَلِي أَوْ أَنْ تَسْتَزِلَّنِي بِخَطِيئَتِي

ای خدای من فضل و رحمت وسیع تر و

حلم و بردباریت بزرگتر از آن است که با من

به عملم مقایسه کنی یا مرا به گناهم خوار

گردانی

وَ مَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَ مَا خَطْرِي

و من کیستم ای مولای من و چه قابلیت

دارم

هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

وَ جَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَ اعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ

وَجْهِكَ

مرا به فضل و کرمت ببخش ای سید من و

به عفو بر من منت گذار و به لطف بر

زشتیم پرده پوشی کن و از توبیخ و تهدیدم

به ذات بزرگوارت درگذر

سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ وَ أَنَا الْجَاهِلُ

الَّذِي عَلَّمْتَهُ

ای سید من من آن طفل صغیرم که توام

پرورانیدی و آن نادانم که توام دانش

بخشیدی



وَ أَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ وَ أَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي

رَفَعْتَهُ

و آن گمراهم که توام هدایت کردی و آن

خوار و ذلیل که توام عزت و رفعت دادی

وَ أَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ وَ الْجَائِعُ الَّذِي

أَشْبَعْتَهُ وَ الْعَطْشَانُ الَّذِي أَرْوَيْتَهُ

و آن ترسانم که توام ایمن ساختی و آن

گرسنه ام که توام سیر کردی و آن تشنه ام

که توام سیراب کردی

وَ الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ وَ الْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ وَ

الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ

و برهنه ام که پوشانیدی و فقیری که بی

نیازش کردی و ناتوانی که توانائیش دادی

وَ الذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّتَهُ وَ السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ

وَ السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ

و ذلیلی که عزیزش گردانیدی و مریضی که

شفا بخشیدی و سائلی که به او عطا کردی

وَ الْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ وَ الْخَاطِئُ الَّذِي أَقَلَّتَهُ

و گنه کاری که بر گنهش پرده پوشیدی و

خطا کاری که عذرش پذیرفتی

وَ أَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَ الْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي

نَصَرْتَهُ وَ أَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتَهُ

و اندکی که بسیارش نمودی و مغلوب و

ناتوانی که یاریش کردی و گریخته و آواره

ای که جایگاهش دادی

أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ وَ لَمْ

أُرَاقِبَكَ فِي الْمَلَأِ أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى

من ای خدا همان کسم که نه در خلوت از  
تو شرم و حیا کردم و نه در جمعیت مراقب  
وظایف بندگیت بودم منم که مصایب و  
حوادث بزرگ بر من روی آور است

أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ

جَبَّارَ السَّمَاءِ

منم آن بنده ای که بر مولای خود جرأت و  
جسارت نموده منم آنکه خدای جبار آسمان

را نافرمانی کرده

أَنَا الَّذِي أُعْطِيتُ عَلَى مَعْاصِي الْجَلِيلِ

(الْمَعْاصِي جَلِيلٍ) الرَّشَا أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ

بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى

من آن کسم که بر معصیت های بزرگ رشوه

داده من آن کسم که هنگامی که مزده

پیش آمد گناهی به او دادند بسوی آن گناه

شتابان می‌رفت

أَنَا الَّذِي أَمْهَلْتَنِي فَمَا أَرْعَوَيْتُ وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ

فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَ عَمِلْتُ (عَلِمْتُ) بِالْمَعَاصِي

فَتَعَدَّيْتُ

منم آنکه مهلتم در عصیان برای توبه دادی  
و من از گنه باز نگشتم و بر من پرده پوشی  
کردی باز هم شرم و حیا نکردم و به  
معصیت پرداخته و از حد تجاوز کردم

وَ اسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ (عِنْدِكَ) فَمَا بَالِيْتُ

فَبِحِلْمِكَ اُمَّهَلْتَنِي وَ بِسِرِّكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى

كَأَنَّكَ اَغْفَلْتَنِي



و مرا از نظر انداختی باز هم باک نداشتم و  
باز به حلم و بردباریت مهلتم دادی و از کرم  
زشتیم در پرده داشتی تا آنجا که گویی  
گناهانم را فراموش کرده ای

وَ مِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبَنِي حَتَّىٰ كَانَكَ

اسْتَحْيَيْتَنِي

و از کیفر گناهان معاف داشته ای که گویا از

من شرم کرده ای

إِلٰهِي لَمْ أَغْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَ أَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ

جَاحِدٌ وَ لَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ وَ لَا لِعُقُوبَتِكَ

مُتَعَرِّضٌ وَ لَا لِوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ

ای خدا من هنگامی که به معصیتت

پرداختم عصیان از راه انکار خداوندیت

نکردم و فرمانت را خفیف نشمردم و سینه

در مقابل عقابت سپر نکردم و وعده

مجازاتت را خوار و بی اهمیت ندانستم

لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَ سَأَلْتُ لِي نَفْسِي وَ

غَلَبَنِي هَوَايَ وَ أَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَ غَرَّنِي

سِتْرَكَ الْمُرْخَى عَلَيَّ

بلکه عصیانم خطایی بود عارض شد و نفس

زشت بر من شبهه کاری کرد و هوی و

هوس غلبه کرد و بدبختی کمک نمود و

ستاری و پرده پوشیت مغرورم ساخت

فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَ خَالَفْتُكَ بِجُهْدِي فَالآنَ مِنْ

عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي

تا آنکه به کوشش و اختیار به عصیان و

مخالفت پرداختم اکنون از عذاب تو که مرا

نجات خواهد داد؟

وَ مِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَدًا مَنْ يُخَلِّصُنِي وَ

بِحَبْلِ مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي

و فردا از دست دشمنان که خلاصم تواند  
کرد؟ و اگر تو رشته محبت را از من بریدی  
دیگر به رشته که چنگ زنم؟

فَوَا سَوَاتَا (أَسْفَا) عَلَى مَا أَحْصَى كِتَابُكَ مِنْ

عَمَلِي الَّذِي لَوْ لَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَ سَعَةِ

رَحْمَتِكَ

پس وای به رسوائیم در آن هنگام که کتاب

تو تمام اعمالم را به شمار آورده که اگر

امیدم کرم و رحمت بی انتهایت نبود

وَ نَهَيْكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنْطُتُ عِنْدَ مَا

أَتَذَكَّرُهَا يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَ أَفْضَلَ مَنْ

رَجَاهُ رَاجٍ

و نهی تو از نومیدی گنه کاران وقتی که  
متذکر اعمال زشت خود می شدم به کلی  
ناامید می گردیدم ای بهترین کسی که او را  
به دعا بخوانند و نیکوترین کسی که به  
کرمش امیدوار باشند

اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَ بِحُرْمَةِ

الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ إِلَيْكَ



ای خدا به عهد و پیمان اسلام بسوی تو  
توسل جستہ و بہ حرمت قرآن و ایمان بہ  
آن درگاہت اعتماد می طلبم

وَ بِحُبِّي النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْقُرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ

التَّهَامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ

و به دوستیم نسبت به پیغمبر امی قرشی

هاشمی عربی تهامی مکی مدنی نزد تو

تقرب می جویم

فَلَا تُوحِشْ اسْتِيْنَاسَ اِيْمَانِي وَ لَا تَجْعَلْ

ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ

پس تو لطفی کن و انس مرا بواسطه ایمانم

به تو بدل به وحشت مگردان و پاداشم را

پاداش آنکه غیر تو را پرستیده قرار مده

فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالسِّنْتِهِمْ لِيُحَقِّنُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ

فَأَذْرَكُوا مَا آمَلُوا

زیرا قومی به زبان ایمان آوردند تا از

شمشیر اسلام خونشان محفوظ ماند و به

این آرزو رسیدند

وَ إِنَّا آمَنَّا بِكَ بِأَلْسِنَتِنَا وَ قُلُوبِنَا لِتَغْفُوَ عَنَّا

فَأَدْرِكْنَا (فَأَدْرِكْ بِنَا) مَا أَمَّلْنَا وَ ثَبَّتْ رَجَاءَكَ

فِي صُدُورِنَا

و ما هم با دل و زبان به تو ایمان آوردیم تا

از گناهانمان درگذری ما را هم به آرزویمان

برسان و امیدواری به کرم خود را بر ما ثابت

و محقق گردان

و لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ

لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

و دل‌های ما را پس از آنکه هدایت یافتیم به  
تاریکی و گمراهی می‌فکن و از جانب خود بر  
ما رحمت فرست که همانا تویی بخشنده

بی عوض

فَوَ عِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَ هَزَّتْنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ

باری بمقام عزتت قسم که اگر مرا از در

لطف برانی هرگز از درگاهت به جایی

نخواهم رفت

و لَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أُلْهِمَ قَلْبِي (يَا

سَيِّدِي) مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَ سَعَةِ رَحْمَتِكَ

و از تملق و التماس به حضرتت دست

نخواهم کشید چرا که قلبم شناسا و گواه

کرم و رحمت بی پایان توست

إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَىٰ مَوْلَاهُ وَ إِلَىٰ مَنْ

يَلْتَجِي الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَىٰ خَالِقِهِ

آری بنده جز به درگاه مولایش کجا رود و

مخلوق به که پناهنده شود جز به خالقش



إِلٰهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَ مَنَعْتَنِي سَيِّكَ

مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ وَ دَلَلْتَ عَلَيَّ فَضَائِحِي

عُيُونِ الْعِبَادِ

ای خدا اگر گردنم را به زنجیره ای قهرت می

بندی و عطایت را از میان همه خلق از من

منع کنی و فضیحت و رسوایی هایم به

چشم بندگان عیان سازی

وَ أَمَرْتَنِي إِلَى النَّارِ وَ حُلَّتْ بَيْنِي وَ بَيْنَ

الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ

و فرمان دهی که مرا به آتش دوزخ کشند و

میان من و نیکان جدایی افکنی باز هرگز

رشته امیدم از تو قطع نخواهد شد

وَ مَا صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَ لَا خَرَجَ

حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي

و از امیدی که به عفو و بخششت دارم  
منصرف نمی شوم و محبتت از دلم بیرون  
نخواهد رفت

أَنَا لَا أَنْسَى أَيْادِيكَ عِنْدِي وَ سَتْرَكَ عَلَيَّ فِي  
دَارِ الدُّنْيَا سَيِّدِي أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي

من ای خدا عطا و بخشش ها و پرده  
پوشی هایت را بر من در دار دنیا هرگز

فراموش نخواهم کرد ای سید من حب دنیا

را از دلم بیرون

وَ اجْمَعُ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْمُصْطَفَى وَ آلِهِ خَيْرَتِكَ

مِنْ خَلْقِكَ وَ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَ آلِهِ

بر و میان من و حضرت مصطفی (ص)

منتخب از تمام خلق و خاتم پیغمبرانت

محمد که درود خدا بر او و آتش باد جمع

گردان

وَ انْقُلْنِي إِلَىٰ دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَ اعْنِي

بِالْبُكَاءِ عَلَىٰ نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَ

الْأَمَالِ عُمْرِي

و مرا به درجه و مقام اهل توبه و بازگشت

به درگاهت برسان و مرا بر گریه به حال

خود یاری کن که سخت عمرم را به تسویف

و آرزوهای باطل از دست دادم

وَ قَدْ نَزَلْتُ مَنزِلَةَ الْأَيْسِينَ مِنْ خَيْرِي

(حَيَاتِي) فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالاً مِنِّي

و اینک به جایی رسیده ام که از خوبی و

اصلاح نفس خود به کلی ناامیدم پس از

من بدحال به روزگارتر کیست

إِنَّ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي (قَبْرِ)  
لَمْ أُمَّهْدُهُ لِرَقْدَتِي وَ لَمْ أَفْرُشُهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ  
لِضَجْعَتِي

وای اگر من با چنین حال منتقل شوم به  
جانب قبری که برای خوابگاه خود مهیا  
نکرده و با عمل صالح فرش در آن بستر  
نگسترده

وَمَا لِي لَا أَبْكِي وَ لَا أَذْرِي إِلَىٰ مَا يَكُونُ

مَصِيرِي

و چرا نگریم در صورتی که نمی دانم مصیرم

تا کجاست

وَأَرَىٰ نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَ أَيَّامِي تُخَاتِلُنِي وَ

قَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ (فَوْقَ) رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ



و به کجا می روم و اکنون می بینم که  
نفس با من خدعه می کند و روزگار با من  
مکر می ورزد در حالی که عقاب مرگ بر سرم  
پر و بال گشوده است

فَمَا لِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي أَبْكِي  
لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي لِضِيقِ لَحْدِي أَبْكِي لِسُؤَالِ  
مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ إِيَّايَ

پس چرا نگریم می گریم بر جان دادنم می

گریم بر تاریکی قبرم می گریم بر تنگی جای

ابدی خودم می گریم برای سؤال منکر و

نکیر از من می گریم

أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا

ثَقْلِي عَلَى ظَهْرِي

بر آن حالتی که از قبر برهنه و خوار و ذلیل

بیرون آمده و بار سنگین اعمالم را بر پشت

گرفته ام

أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَ أُخْرَى عَنْ شِمَالِي إِذِ

الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ

يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

گاهی به جانب راست خود می نگریم و

گاهی به جانب چپ در آن حال که خلاق

هر کسی به کاری غیر کار من مشغولند و هر

شخص در آن روز محتاج کار خویش است

و از توجه به غیر بی نیاز

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ وَ

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ وَ ذَلَّةٌ

در آن روز گروهی رو سفید و خندان لب و

دلشادند و گروهی رخسارشان گرد آلود

عصیان و در غبار ذلت و خواری مستور

است

سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعَوَّلِي وَ مُعْتَمَدِي وَ رَجَائِي وَ

تَوَكَّلِي وَ بِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي

ای سید من همه اطمینان و اعتماد من و

تمام امید و توکلم به تو و علاقه خاطر من به

رحمت و لطف توست

تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَهْدِي بِكِرَامَتِكَ

مَنْ تُحِبُّ

تویی که هر که را بخواهی به رحمت نایل

می سازی و هر که را دوست داری به

کرامت هدایت می کنی

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا نَقَّيْتَهُ مِنَ الشُّرْكِ قَلْبِي

پس تو را ستایش می کنم برای آنکه قلب

مرا از لوث شرك پاکیزه ساختی

وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أَوْ فِإِسَانِي

هَذَا الْكَمَالُ أَشْكُرُكَ أُمَّ بِغَايَةِ جُهْدِي (جَهْدِي)

فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ

و تو را سپاس می کنم برای آنکه زبانم را

بذکرت گشودی آیا من بدین زبان لال شکر

و سپاس تو توانم گفت یا با کمال جهد و



کوشش در عمل رضا و خوشنودیت به

دست توانم آورد

وَ مَا قَدَرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَ مَا

قَدَرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَ إِحْسَانِكَ (إِلَيَّ)

زبان من در قبال شکر تو بی قدر و عملم در

جنب نعمت و احسانت ناچیز است

إِلَهِي إِنَّ (إِلَّا أَنْ) جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي وَ شُكْرَكَ

قَبْلَ عَمَلِي سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَ إِلَيْكَ (مِنْكَ)

رَهْبَتِي

ای خدا همانا جود و کرم تو دست امید و

آرزویم را دراز گشوده و بخشش تو عمل

(ناقابلیم) را پذیرفته ای سید من شوق و

رغبتم همه بسوی توست

وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي وَ قَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي

و بيم و هراسم هم از توست آرزویم به تو  
منتهی است و امید من مرا به درگاه تو می

کشد

وَ عَلَيْكَ (إِلَيْكَ) يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ (عَلِقْتُ)

هَمَّتِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطْتُ رَغْبَتِي وَ لَكَ

خَالِصُ رَجَائِي وَ خَوْفِي

و بر درگاه تو ای یگانه ام همتم معتکف

شده و در آنچه به حضور توست شوقم

گشاده و تمام امید و هراسم از تو

وَ بِكَ أَنْسَتْ مَحَبَّتِي وَ إِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدِي وَ

بِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي

و انس و محبتم منحصر به تو و بسوی تو  
دو دست امید گشوده ام و به رشته طاعتت  
با هراس درآویخته ام

(يَا) مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي وَ بِمُنَاجَاةِكَ  
بَرَّدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي فَيَا مَوْلَايَ وَ يَا مُؤَمِّلِي  
وَ يَا مُنْتَهَى سُؤْلِي

ای مولای من به یاد تو دلم زنده است و به  
مناجاتت الم ترس (فراق) را از خود تسکین  
می دهم پس ای مولای من و ای آرزوی دل  
من و ای منتهای مقصودم

فَرَّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ

طَاعَتِكَ

تو میان من و گناهانم که مانع ملازمت

طاعتت می شود جدایی افکن

فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ وَ عَظِيمِ

الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَي نَفْسِكَ مِنْ

الرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ

که من به امید همیشگی و آز و طمع بزرگ

که به حضرتت داشته ام از تو درخواست

حاجت می کنم که تو بر ذات خویش رأفت

و رحمت به بندگان را لازم کرده ای

فَالأَمْرُ لَكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ

عِيَالِكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ

پس ای خدا فرمان در همه عالم با توست و

تو را شریکی نیست و خلق همه عیال و



ریزه خور خوان احسان تواند و در قبضه

قدرت تو

وَ كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكْتَ يَا رَبِّ

الْعَالَمِينَ

و همه موجودات عالم پیش حضرتت

خاضع و فروتنند بزرگوار خدایی ای پروردگار

عالمیان

إِلٰهِي اَرْحَمْنِيْ اِذَا اَنْقَطَعَتْ حُجَّتِيْ وَ كَلَّ عَنِّ  
جَوَابِكَ لِسَانِيْ وَ طَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ اِيَّايْ لُبِّي

ای خدا در آن هنگام که حجت‌م قطع می  
شود و زبانم از جوابت لال و عقل و هوشم  
مضطرب می‌گردد در آن حال بر من ترحم

فرما

فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ

فَاقَتِي وَ لَا تَرُدَّنِي لِجَهْلِي

ای امید بزرگ من گاه فقر و فاقه سخت مرا

از کرمت محروم مساز و بواسطه جهل و

نادانیم از درگاهت مران

وَ لَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي أَعْطِنِي لِفَقْرِي وَ

ارْحَمْنِي لِضَعْفِي

و به کم صبری منعم از لطفت مکن و چون

فقیرم عطایم بخش و چون ناتوانم به عالم

ترحم کن

سَيِّدِي عَلَيكَ مُعْتَمِدِي وَ مُعَوَّلِي وَ رَجَائِي وَ

تَوَكَّلِي وَ بِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي

ای سید من تمام اعتماد و اطمینان خاطر و

امید و توکل من به توست و به رحمت بی

پایانت دل بسته ام

وَ بِفِنَائِكَ أَحْطُ رَحْمِي وَ بِجُودِكَ أَقْصِدُ

(أَقْصِرُ) طَلِبْتِي وَ بِكَرَمِكَ أَيُّ رَبِّ اسْتَفْتِحُ

دُعَائِي

و به درگاه احسانت بار افکنده ام و به جود  
و بخششت از تو مقصودم را می طلبم و به  
امید کرمت ای پروردگار دست دعا بسویت  
می گشایم

وَ لَدَيْكَ أَرْجُو فَاقْتِنِي (ضِيَّافَتِي) وَ بِغِنَاكَ أَجْبُرُ  
عَيْلَتِي

و فقر و بی نواییم را نزد تو آورده و

پریشانی و نداریم را به غنا و بی نیازی تو

جبران می کنم

وَ تَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي وَ إِلَى جُودِكَ وَ

كَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصْرِي وَ إِلَى مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ

نَظْرِي

و زیر سایه عفت ایستاده ام و به جود و  
کرمت چشم گشوده و به احسان قدیمت

همیشه نظر دارم

فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَ أَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي وَ لَا

تُسَكِّنِي الْهَآوِيَةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي

پس مرا به آتش (قهرت) مسوزان که تو

محل امیدواری منی و در هاویه دوزخم



جای مده که تو روشنی چشمم و نشاط

قلب منی

يَا سَيِّدِي لَا تُكْذِبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَ

مَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ تَقْتِي وَ لَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَكَ

فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي

ای سید من حسن ظنم را به عطا و

احسانت ثابت گردان که تو محل وثوق منی

و از ثواب خود محروم مساز چرا که از فقر

و پریشانیم آگاهی

إِلٰهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَ لَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ

عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي

وَسَائِلَ عَلَيَّ

ای خدا اگر اجل من نزدیک شده و معلم مرا

به مقام قرب تو نرسانید من هم اعتراف به

گناهم را اسباب عذر گردانیده ام

إِلٰهِيْ اِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ اَوْلٰى مِنْكَ بِالْعَفْوِ

ای خدا اگر تو عفو کردی که سزاوارتر از تو

به عفو است

وَإِنْ عَذَبْتَهُ فَمَنْ أَعَدَّ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ

أَرْحَمَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي

و اگر عذاب کردی که از تو در حکم عادل تر

است خدا در این دنیا به حال غربتم رحم

کن

وَ عِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي وَ فِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي وَ

فِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي وَ إِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ

بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلٌّ مَوْقِفِي

و هنگام مرگ بر غم و حسرتم و در لحد به

تنهایی و وحشتم رحم کن و چون برای

حساب نامه عملم گشوده شود به حال ذلتم

در پیشگاه عظمتت ترحم فرما

وَ اغْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ عَلَى الْأَدْمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي

وَ أَدِّمْ لِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي

و گناهانی را که از چشم مردم پنهان است

بر من ببخش و لطفی که به آن گناهم را

مستور کرده ای برقرار دار

وَ ارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيِّدِي

أَحِبَّتِي

باز هم ترحم کن آنگاه که در بستر مرگ

افتاده ام و قادر بر حرکت نیستم و دست

دوستان مرا حرکت می دهد

وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُقَلِّبُنِي

(يُغَسِّلُنِي) صَالِحُ حَيْرَتِي

و تفضل فرما آنگاه که در وقت غسل دادن

دست همسایگان صالح به راست و چپم

می گرداند

وَ تَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ

أَطْرَافَ جَنَازَتِي وَ جُدْ عَلَيَّ مَنقُولًا قَدْ نَزَلْتُ

بِكَ وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي



و لطف و مهربانی کن آنگاه که خویشانم

اطراف جنازه ام را برگرفته اند و آنگاه که از

این جهان رخت بر بستم و در قبر بر

حضرت غریب و تنها وارد شدم

وَ اَرْحَمُ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي حَتَّى

لَا اسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ

بر من ببخش و در آن منزل تازه بر غربتم  
ترحم فرما تا آنجا هم انس و الفت به غیر

تو نگیرم

يَا سَيِّدِي إِنَّ وَكَلْتَنِي إِلَىٰ نَفْسِي هَلَكْتُ

سَيِّدِي فَبِمَنْ أَسْتَعِيْثُ إِنَّ لَمْ تُقْلِنِي عَثْرَتِي

ای سید من اگر تو مرا به خود واگذاری

هلاک خواهم شد ای آقای من اگر تو از

لغزش هایم درنگذری پس من بسوی که

پناه برم و به درگاه که زاری کنم

فَالِي مَنْ أَفْرَعُ إِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي

ضَجْعَتِي وَإِلَى مَنْ أَلْتَجِي إِنْ لَمْ تُنْفَسْ

كُرْبَتِي

و اگر عنایت در خوابگاه مرگ شامل حال  
نشود به کدام در پناهنده شوم اگر تو غم و

اندوهم زایل نگردانی

سَيِّدِي مَنْ لِي وَ مَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي

وَ فَضْلَ مَنْ أُوِّمِّلُ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ

فَاقَتِي

ای آقای من اگر تو به من رحم نکنی من که

را دارم و که به من رحم خواهد کرد و اگر

فضل تو شاملم نگردد به فضل و کرم که روز

بیچارگی امیدوار باشم

وَ إِلَىٰ مَنِ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَىٰ أَجَلِي

سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَ أَنَا أَرْجُوكَ

و بسوی که از گناهانم آنگاه که اجلم فرا  
رسد توانم گریخت ای آقای من مرا عذاب  
مکن چرا که به تو امیدوارم

إِلٰهِي (اللَّهُمَّ) حَقِّقْ رَجَائِي وَ آمِنْ خَوْفِي فَإِنَّ

كثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا (لَهَا) إِلَّا عَفْوَكَ

ای خدا امیدم را به حضرت کریمت ثابت و  
محقق ساز و ترسم را به ایمنی مبدل گردان

که از بسیاری گناهان جز به عفو و بخششت

به جایی امید ندارم

سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ وَ أَنْتَ أَهْلُ

التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

ای سید من از تو چیزی می طلبم که

استحقاق آن ندارم اما تو اهل تقوی و

آمرزشی

فَاغْفِرْ لِي وَ اَلْبِسْنِي مِنْ نَظَرِكَ ثَوْبًا يُغَطِّي

عَلَيَّ التَّبِعَاتِ

پس تو از من درگذر و به نظر لطفت لباسی

که زشتی هایم بپوشاند در پوشان

وَ تَغْفِرْهَا لِي وَ لَا أَطَالِبُ بِهَا إِنَّكَ ذُو مَنِّ

قَدِيمٍ وَ صَفْحٍ عَظِيمٍ وَ تَجَاوُزٍ كَرِيمٍ



و از آن اعمال زشت درگذر که دیگر مؤاخذه

ام نفرمایی چرا که تو صاحب احسان

همیشگی و بخشش عظیم و گذشت

بزرگوارانه ای

إِلٰهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيِّئَكَ عَلَيَّ مَنْ لَأَ

يَسْأَلُكَ وَ عَلَيَّ الْجَاحِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

ای خدا تو آن کریمی که احسانت بر آنکس  
هم که از تو درخواست نکند افاضه می شود  
بلکه بر منکران خدائیت هم می رسد

فَكَيْفَ سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ وَ أَيْقَنَ أَنَّ الْخَلْقَ

لَكَ وَ الْأَمْرَ إِلَيْكَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ يَا رَبَّ

الْعَالَمِينَ

پس چگونه بر آنکس که از تو مسئلت کرده

و بیقین کامل می داند که خلق همه از تو و

فرمان بر خلق مختص توست نخواهد رسید

بزرگوار و بلند مرتبه ای ای پروردگار عالم

سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ أَقَامَتْهُ الْخِصَاصَةُ بَيْنَ

يَدَيْكَ يَقْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ

ای آقای من بنده مسکین تو را فقر و

بیچارگی به درگاه کرم تو باز داشته و حلقه

بر در احسانت به دعا می زند

(وَ يَسْتَعِطِفُ جَمِيلَ نَظْرِكَ بِمَكْنُونٍ رَجَائِكَ)

فَلَا تُغْرِضُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي

پس تو به بزرگواری و کرم روی از وی

مگردان

وَاقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ (دَعْوَتِكَ)

بِهَذَا الدُّعَاءِ

و تقاضاهايم قبول فرما كه من به اين دعای

(مفصل) تو را خواندم

وَ أَنَا أَرْجُو أَنْ لَا تَرُدَّنِي مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَ

رَحْمَتِكَ

و امید آن دارم که دعایم رد نفرماید چرا که

من به رأفت و مهربانی تو آگاهم

إِلٰهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُكَ

نَائِلٌ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ

ای خدا تو آن کریمی که سائل تو را خسته

نمی کند و از عطا و بخشش تو را نقصانی

نمی رسد تو در اوصاف کمال بمقامی که

خود ستایش خویش توانی کرد و برتری از

آنچه ما بگوییم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَ فَرَجًا قَرِيبًا وَ

قَوْلًا صَادِقًا وَ أَجْرًا عَظِيمًا

ای خدا من از تو درخواست می کنم صبری

نیکو و گشایشی نزدیک و زبانی گویای

بصدق و حقیقت و پاداشی بزرگ از تو

درخواست می‌کنم

أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ

مَا لَمْ أَعْلَمْ

ای پروردگار از خیر و خوبی‌ها همه را آنچه

دانسته و آنچه را ندانسته ام باز درخواست

می‌کنم



أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ

الصَّالِحُونَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ أَجْوَدَ مَنْ

أَعْطَى

ای خدا از بهترین آنچه بندگان صالحت از تو

درخواست کردند ای بهترین کسی که از او

درخواست توان کرد و ای بهترین عطا

بخش

أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وَالِدِيَّ وَ

وُلْدِي (وَلَدِي) وَ أَهْلِ حُرَانَتِي وَ إِخْوَانِي فِيكَ

درخواست مرا درباره شخص خود و اهل

بیتم و والدینم و خاندانم و برادران خدا

پرستم همه را عطا فرما

(وَ) أَرْغِدْ عَيْشِي وَ أَظْهِرْ مُرُوتِي وَ أَصْلِحْ

جَمِيعَ أَخْوَالِي

و عیشم را خوش و مروت و فتوتم را محکم

و آشکارا گردان و جمیع احوالم را اصلاح

فرما

وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمْرُهُ وَ حَسَّنَتْ عَمَلُهُ

وَ اتَّمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَ رَضِيتَ عَنْهُ

و مرا از آنان قرار ده که عمرش طولانی و

عملش نیکو و نعمت را بر او کامل

گردانیده ای و از او خوشنودی

وَ أَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَ أَسْبَغَ

الْكَرَامَةَ وَ أَتَمَّ الْعَيْشَ

و حیات خوش با نشاط دایم ابدی با  
نیکوترین مکرمت و تمام ترین زندگانی به

او مرحمت فرموده ای

إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ لَا تَفْعَلُ (يَفْعَلُ) مَا

يَشَاءُ غَيْرَكَ

که تو خدایی و هر چه بخواهی به قدرت

کامله می کنی و غیر تو کسی هر چه

بخواهد نتواند کرد

اللَّهُمَّ خُصِّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَ لَا تَجْعَلْ

شَيْئًا مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ

ای خدای من مرا به ذکر خاص خود

مخصوص گردان و هر عمل که برای تقرب

به حضرتت بجای آرم در ساعات شب

وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَ لَا سُمْعَةً وَ لَا أَشْرًا وَ لَا

بَطْرًا وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ

و اطراف روز رياء و خودنمايي و بطالت و  
عياشى قرار مده و مرا از بندگان خاشع خود

بگردان

اللَّهُمَّ اَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَ الأَمْنَ فِي  
الْوَطَنِ وَ قُرَّةَ العَيْنِ فِي الأَهْلِ وَ المَالِ وَ الوَلَدِ



خدايا مرا روزی وسيع عطا کن و نعمت

امنيت بخش و اهل و مال و فرزندم را مايه

روشنی چشم و شادی خاطر گردان

وَ الْمُقَامَ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي وَ الصِّحَّةَ فِي

الْجِسْمِ وَ الْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَ السَّلَامَةَ فِي

الدِّينِ

و نعمت هایی که مرا عطا کرده ای پاینده

ساز و تنم را سالم و نیرومند و دینم را (از

دست شیطان) محفوظ دار

وَ اسْتَغْمِنِي بِطَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَغْمَرْتَنِي

و پیوسته عمرم را به کار طاعت خود و

رسولت محمد صلی الله علیه و آله بدار

وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيباً فِي

كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَ تَنْزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي

لَيْلَةِ الْقَدْرِ

و مرا از آن بندگان که نزد تو نصیبشان از

همه وافتر است مقرر فرما هم در خیر و

برکتی که نازل کرده ای و می کنی در ماه

مبارک رمضان در شب قدر

وَ مَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ

تَنْشُرُهَا وَ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا

و هم آنچه در هر سال نازل خواهی کرد و

از رحمتت که منتشر بر خلق می گردانی

نصیبم ده و هم لباس عافیتی که به بندگان

می پوشانی بر من بپوشان

وَ بَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا وَ حَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا وَ سَيِّئَاتٍ

تَتَجَاوَزُ عَنْهَا

و هر بلیه و آلامی که برطرف می کنی و  
خوبی ها که می گردانی و گناهانی که از آن  
در می گذاری مرا بهره مند ساز

وَ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا (عَامِي)

هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ وَ ارْزُقْنِي رِزْقاً وَاسِعاً مِنْ

فَضْلِكَ الْوَاسِعِ

و هم ای خدا حج بیت الحرامت را در این

سال و همه سال دیگر و رزق وسیع از فضل

و کرم بی پایانت نصیبم فرما

وَ اصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ وَ اقْضِ عَنِّي

الذَّيْنَ وَ الظُّلَمَاتِ حَتَّى لَا أَتَّأَذِيَ بِشَيْءٍ مِنْهُ

و شر و بدی ها را ای آقای من از من دفع

گردان و دین و مظالم را به کرمت ادا ساز

تا دیگر در اذیت و رنج و غم از قبل هیچ

یک از آنها نباشم

وَ خُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعٍ وَ أَبْصَارٍ أَعْدَائِي وَ

حُسَادِي وَ الْبَاغِينَ عَلَيَّ

و چشم و گوش دشمنان و حسودان و

بیدادگران را بر من ببند

وَ انصُرْنِي عَلَيْهِمْ وَ أَقِرَّ عَيْنِي (وَ حَقَّقْ ظَنِّي)

وَ فَرِّحْ قَلْبِي



و مرا بر آنها منصور و غالب گردان و دیده

ام روشن و دلم شاد فرما

وَ اجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَ كَرْبِي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً

وَ اجْعَلْ مَنْ ارَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ

تَحْتَ قَدَمِي

و از هر هم و غم و پریشانیم گشایش و  
رهایی بخش و هر که از قصد با من سوء  
قصدی کند زیر قدم قدرتم پایمالش ساز

وَ اَكْفِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَ شَرَّ السُّلْطَانِ وَ  
سَيِّئَاتِ عَمَلِي وَ طَهَّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا

و شر شیطان و شر سلطان و شر اعمال بدم

را از من کفایت فرما و از تمام گناهان مرا

پاک گردان

وَ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ وَ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ

بِرَحْمَتِكَ وَ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ

و به عفو و کرمت از آتش دوزخم نجات

بخش و به لطف و رحمتت به بهشت ابدم

داخل گردان و به فضلت با حور العينم قرین

ساز

وَ الْحَقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ

و مرا با اولیاء صالح خود یعنی محمد و

آلش محشور گردان که آنان نیکویان و

پاکان و پاکیزگان و برگزیدگان عالمند

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَىٰ أَجْسَادِهِمْ وَ أَرْوَاحِهِمْ

وَ رَحْمَةً اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ

درود و رحمت و برکاتت بر آنها باد و بر

جسم و جان آنان باد

إِلٰهِيَّ وَ سَيِّدِيَّ وَ عِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ لِيُنِّ

طَالِبْتَنِي بِذُنُوبِي لِأَطَّالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ

ای خدای من و سید من بعزت و جلالت  
قسم که اگر تو از من به گناهانم بازخواست

کنی من هم بعفو و بخششت از تو باز

خواست خواهم کرد

وَ لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِلُؤْمِي لِأَطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ وَ لَئِنْ

أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأُخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ

و اگر از من به خواریم بازخواست کنی من

هم به کرم و بزرگواریت از تو بازخواست

خواهم کرد و اگر به دوزخم داخل سازی

اهل آتش را از محبتم به تو آگاه می سازم

إِلَهِي وَ سَيِّدِي إِنَّ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَاءِكَ وَ

أَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِلَى مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ

ای خدای من و سید من اگر تو بر غیر اولیاء

خود و اهل طاعت خویش نبخشایی پس

گناهکاران به درگاه که تضرع و زاری کنند

وَ إِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ

يَسْتَغِيثُ الْمُسِيئُونَ



و اگر تو با غیر وفادارانِت اکرام و احسان  
نفرمایی پس بد کاران به درگاه که پناهنده  
شوند

إِلٰهِهِ إِنِّ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فِي ذٰلِكَ سُرُورٌ عَدُوَّكَ

وَ إِنِّ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فِي ذٰلِكَ سُرُورٌ نَبِيَّكَ

ای خدا اگر مرا در آتش بری در این صورت

دشمنت (شیطان) شاد می شود و اگر در

بهشت بری پیغمبرت شاد خواهد شد

وَ أَنَا وَ اللَّهُ أَعْلَمُ أَنَّ سُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ

مِنْ سُورِ عَدُوِّكَ

و من قسم به خدا یقین دارم که تو سرور

پیغمبرت را دوست تر داری از سرور

دشمنت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَ

خَشْيَةً مِنْكَ وَ تَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ

ای خدا از تو درخواست می کنم که دلم را

مملو از دوستی خود گردانی و سراسر قلبم

را پر خوف و خشیت خود و تصدیق بکتاب

خود

وَ اِيْمَانًا بِكَ وَ فَرَقًا مِنْكَ وَ شَوْقًا اِلَيْكَ

و ایمان کامل بحضرت گردانی و دلم را پر

غم و اندوه خود و شوق لقای خویش سازی

يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ حَبِّبْ اِلَيَّ لِقَاءَكَ وَ  
اَحْبِبْ لِقَائِي وَ اجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَ  
الْفَرَجَ وَ الْكِرَامَةَ

ای خدای صاحب جلال و بزرگواری ملاقات  
خود را محبوب من و ملاقات مرا محبوب  
خود گردان و در هنگام لقای خویش برایم  
راحتی و گشایش و کرامت مقرر فرما

اللَّهُمَّ اَلْحِقْنِي بِصَالِحٍ مِّنْ مَّضَىٰ وَ اجْعَلْنِي

مِنْ صَالِحٍ مِّنْ بَقِيَ وَ خُذْ بِي سَبِيلَ

الصَّالِحِينَ

ای خدا مرا به صالحان گذشته در پیوند و از

صالحان باقی قرار ده و به راه صالحانم

رهوار سازد

وَ أَعْنِي عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ

عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ اخْتِمَ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ

و مرا بر مخالفت هوای نفس خود به آنچه  
صالحان را یاری کردی مدد فرما و ختم کارم

را نیکوترین عمل گردان

وَ اجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ أَعْنِي

عَلَى صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي

و پاداشم را از آن عمل نیک به رحمت  
بهشت ابد قرار ده و مرا یاری کن که هر  
نعمتی که به من عطا کرده ای به شایستگی  
و صلاح کار بندم

وَ ثَبِّتْنِي يَا رَبِّ وَ لَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ

اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ



و مرا ای خدا ثابت قدم بدار و بسوی بلا و  
مهلکه‌ای که از آنم نجات داده ای بر مگردان  
ای پروردگار عالم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ  
أَحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَ تَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَيْتَنِي  
عَلَيْهِ

ای خدا از تو درخواست می کنم ایمان  
ثابتی که تا روز لقای تو باقی ماند و بر آن  
ایمان تا زنده ام مرا باقی دار و بر آن بمیران

وَ اِبْعَثْنِيْ اِذَا بَعَثْتَنِيْ عَلَيْهِ وَ اَبْرِئْ قَلْبِيْ مِنْ

الرِّيَاءِ وَ الشُّكِّ وَ السُّمْعَةِ فِيْ دِيْنِكَ حَتَّى

يَكُوْنَ عَمَلِيْ خَالِصاً لَكَ

و بر آن ایمانم در قیامت برانگیز و دلم را از

ریا و خود نمایی و شك و ظاهر سازی در

دینت بیزار گردان تا عملم خالص برای تو

باشد

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَ فَهْمًا فِي

حُكْمِكَ وَ فِقْهًا فِي عِلْمِكَ وَ كِفْلَيْنِ مِنْ

رَحْمَتِكَ

ای خدا مرا بصیرتی در دین خود و فراستی

در حکم خود و فهم و هوشی در علم کتاب

خویش عطا فرما و کفلین از رحمتت بخش

وَ وَرَعاً يَحْجُزُنِي عَنْ مَعْصِيكَ وَ بَيِّضُ وَجْهِي

بِنُورِكَ وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ

و مقام ورعی بخش که مانع از هر چه

عصیان توست شود و به نور معرفتت رو

سفیدم کن و میل و رغبتم را به آنچه در

جهان باقی نزد توست معطوف گردان

وَ تَوْفِئِي فِي سَبِيلِكَ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

و مرا به راه (رضای) خود و بر آیین

پیغمبرت صلی الله علیه و آله بمیران

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشْلِ وَ

الْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ

ای خدا پناه می برم به تو از صفات رذیله

ترس و بد دلی و کسالت و مهملی و اندوه

و هراس و بخل و غفلت و قساوت قلب

(و الذَّلَّةِ) وَ الْمَسْكِنَةِ وَ الْفَقْرِ وَ الْفَاقَةِ وَ كُلِّ

بَلِيَّةٍ وَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ

و فقر و بیچارگی و هر بلیه و رنج و هر

زشتی ظاهر و باطن

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَتَّقِعُ وَ بَطْنٍ لَا

يَشْبَعُ وَ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَ

عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ

و نیز پناه می برم به تو از نفسی که قناعت

نکند و شکمی که از دنیا سیر نشود و دلی

که از تو خاشع و ترسان نباشد و از دعایی

که مستجاب نشود و عملی که سود نبخشد

وَ أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَ دِينِي وَ مَالِي

وَ عَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و نیز پناه می برم به تو ای خدا که جان و

دین و مال و هر نعمتی روزیم کردی همه را



از دستبرد دیو رجیم محفوظ داری که البته

تو شنوای دانایی

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَلَا أَعِجُّ مِنْ

دُونِكَ مُلْتَحِداً فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ

مِنْ عَذَابِكَ

ای خدا هیچکس مرا از قهر تو پناه نتواند

داد و جز تو ملجأ و پناهی ندارم پس مرا

در دنیا و عقبی به هیچ يك از عقوبت

هایت مبتلا مگردان

وَ لَا تَرُدَّنِي بِهَلَكَةٍ وَ لَا تَرُدَّنِي بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

و به هیچ مهلكه و عذاب دردناك باز میفکن

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ أَعْلِ (كَعْبِي وَ) ذِكْرِي وَ

ارْفَعْ دَرَجَتِي وَ حُطِّ وِزْرِي وَ لَا تَذْكَرْنِي

بِخَطِيئَتِي

ای خدا عملم بپذیر و نامم بلند گردان و  
درجه ام رفیع ساز و گناهم بریز و خطایم را

یاد آورم مساز

وَ اجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَ ثَوَابَ مَنْطِقِي وَ

ثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَ الْجَنَّةَ

و پاداش نشستن و سخن گفتن و دعا و  
تضرع را رضا و خوشنودیت و بهشت ابدت

قرار ده

وَ أَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ زِدْنِي مِنْ

فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و ای خدا به کرمات هر چه درخواست کردم

همه را عطا فرما و زیاده بر آن از فضل و

رحمت ببخش که دل من ای پروردگار عالم

بسوی تو مایل و مشتاق است

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ (الْعَفْوُ وَ أَمْرَتَنَا)

أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا

ای خدا تو در کتابت آیاتی نازل فرمودی که

ما از هر کس در حقدمان ظلم و ستم کرده

عفو کنیم

وَ قَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَاعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَى

بِذَلِكَ مِنَّا

و ما در حق نفس خود ظلم کردیم تو هم از

ظلم ما عفو فرما که تو در این عفو و

بخشش از ما سزاوارتری

وَ أَمَرْتَنَا أَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنِ ابْوَابِنَا وَ قَدْ

جِئْتُكَ سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي

و باز به ما امر فرمودی که سائلی را از درگاه

خود محروم برنگردانیم و من هم سائلم

بدرگاه کرمت پس مرا تا حاجتم روا نسازی

باز مگردان

وَ أَمَرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا وَ

نَحْنُ أَرْقَاؤُكَ فَأَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ

و باز امر فرمودی که در حق هر که در ملك

و تصرف ماست نیکی و احسان کنیم و ما

بندگان توایم تو هم در حق ما نیکی کن و

از آتش قهرت آزادمان ساز

يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَ يَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي

ای آنکه هنگام بلا و رنج ملجأ و پناه و در

سختی‌ها فریادرس مایی



إِلَيْكَ فَرَعْتُ وَ بِكَ اسْتَعْتْتُ وَ لُذْتُ لَا أَلُوذُ

بِسِوَاكَ وَ لَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ

من به درگاه تو می نالم و تو را فریادرس  
می دانم و به تو پناه آورده ام نه به کسی  
دیگر جز تو و از دری جز درگاهت گشایشی  
نمی طلبم

فَأَغْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَفُكُّ الْأَسِيرَ (يَقْبَلُ

الْيَسِيرَ) وَ يَغْفُو عَنِ الْكَثِيرِ

پس تو ای خدا بفریادم رس و عقده های

قلبم بگشا ای آنکه اسیران را آزاد می کنی و

از گناهکاران بسیار در می گذری

اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَ اعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ

الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

از من هم این عمل کم بپذیر و از گناهان  
بسیارم درگذر که تو بسیار مهربان و آمرزنده

ای

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ يَقِينًا

(صَادِقًا) حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا

كَتَبْتَ لِي

ای خدا من از تو درخواست می کنم ایمانی

ثابت که همیشه در قلبم برقرار باشد و

یقینی کامل تا بدانم که به من جز آنچه قلم

تقدیر تو نگاشته نخواهد رسید

وَ رَضِّنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ

و مرا در زندگانی به هر چه قسمت کردی راضی  
و خشنود سازی ای مهربان ترین مهربانان عالم.